

## غفلت کی برطرف می‌شود؟

خداوند در خصوص حالات قیامت می‌فرماید که به بندگان این‌گونه خطاب می‌شود: «لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (به او خطاب می‌شود: تو از این صحنه (و دادگاه بزرگ) غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز چشمت کاملاً تیزبین است!)» (ق/۲۲)

«این‌طور خطاب می‌شود: "لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا" تو در دنیا از این‌هایی که فعلاً مشاهده می‌کنی در غفلت بودی، هر چند که در دنیا هم جلو چشمت بود و هرگز از تو غایب نمی‌شد، لیکن تعلق و دل‌بستگی‌ات به اسباب، تو را از درک آن‌ها غافل ساخت و پرده و حائل بین تو و این حقائق افکند، اینک ما آن پرده را از جلو درک و چشمت کنار زده‌ایم، "فَبَصَرُكَ" در نتیجه بصیرت و چشم دلت "الْيَوْمَ" امروز که روز قیامت است "حَدِيدٌ" تیزبین و نافذ شده، می‌بینی آن‌چه را که در دنیا نمی‌دیدی.

از این آیه استفاده می‌شود که در آن روز پرده غفلت از جلو چشم بصیرت انسان کنار می‌رود و در نتیجه حقیقت امر را مشاهده می‌کند، و این نکته در آیات بسیار دیگر نیز آمده، مانند آیه "وَالْأَمْرُ يُؤَمَّرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ" (انفطار/۱۹)، و آیه "لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ" (غافر/۱۶) و آیاتی دیگر نظیر این‌ها... دوم این‌ها که آن‌چه خدا برای فردای قیامت انسان تهیه دیده، از همان روزی تهیه دیده که انسان در دنیا بوده ولی از چشم بصیرت او پنهان بوده است.» (ترجمه المیزان ج ۱۸ ص ۵۲۴)

## غفلت پذیرفته نیست

خداوند در وجود همه‌ی انسان‌ها خداخواهی و بصیرت را قرار داده است و این امری است فطری که قبل از ورود انسان به این جهان اتفاق افتاده است. به همین دلیل از هیچ‌کس غفلت و بی‌خبری یا بی‌توجهی پذیرفته نیست. خداوند در قرآن کریم به این موضوع تصریح فرموده است: «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ - وَ (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه‌ی آن‌ها را برگرفت و آن‌ها را گواه بر خویشتن ساخت (و فرمود): "آیا من پروردگار شما نیستم؟" گفتند: "آری، گواهی می‌دهیم!" (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویید: "ما از این، غافل بودیم" (و از پیمان فطری توحید بی‌خبر ماندیم)»! (اعراف/۱۷۲)

امیرالمؤمنین نیز در مناجات شعبانیه به همین موضوع اشاره فرموده است: «فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخَالِي فِي كَرَمِكَ وَ لِتَطْهِيرَ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاحِ الْغَفْلَةِ عَنكَ - تو را سپاس گویم که مرا در کرم خویش داخل کرده‌ای و دلم را از چرک‌های بی‌خبری و غفلت خویش پاکیزه ساختی.»

## کلید همه‌ی بدبختی‌ها

«وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ - آنان را از روز حسرت (روز رستاخیز که برای همه مایه تأسف است) بترسان، در آن هنگام که همه چیز پایان می‌یابد! و آن‌ها در غفلتند و ایمان نمی‌آورند!» (مریم/۳۹)

استاد قرائتی در نکته‌هایی که از این آیه استفاده می‌شود آورده است: «کلید همه‌ی بدبختی‌ها، غفلت است. غفلت از خداوند، غفلت از معاد، غفلت از آثار و پیامدهای گناه، غفلت از توطئه‌ها، غفلت از محرومان، غفلت از تاریخ و سنت‌های آن و غفلت از جوانی و استعدادها و زمینه‌های رشد.»  
(تفسیر نور ج ۷ ص ۲۶۹)

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز فرموده‌اند:

«الْغَفْلَةُ أَضْرُّ الْأَعْدَاءِ - غفلت زیان رساننده‌ترین دشمنان است.» (غررالحکم ص ۲۶۵)

«الْغَفْلَةُ شِيْمَةُ النَّوَكِيِّ - غفلت و بی‌خبری خصلت احمقان است.» (همان)

«الغفلة فقد - غفلت از دست دادن (فرصت‌ها و چیزها) است.» (همان ص ۵۷)

## آثار غفلت

در بیان قرآن و روایات غفلت دارای آثار و پی‌آمدهایی بسیار خطرناکی در دنیا و به خصوص آخرت است.

### ۱) زمینه‌ی کفر

استاد قرائتی در پیام‌هایی که از آیه قبل (مریم/۳۹) استفاده می‌شود آورده‌اند:

«غفلت زمینه‌ی کفر است. فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (تفسیر نور ج ۷ ص ۲۷۰)

### ۲) پیروی هوی و افراط

«وَلَا تَطْعُ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا - و هرگز بخاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آن‌ها برمگیر! و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همان‌ها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است.» (کهف/۲۸)

«کلمه "فرط" به معنای تجاوز از حق و خروج از آن است و از کلام عرب گفته شده که: "افراط، افراطا" را در مورد اسراف و زیاده‌روی به کار می‌برند و پیروی هوی و افراط، از آثار غفلت قلب است، و به همین جهت عطف دو جمله بر جمله "أَغْفَلْنَا" به منزله عطف تفسیر است.»  
(ترجمه المیزان ج ۱۳ ص ۴۲۰)

### (۳) بَلْ هُمْ أَضَلُّ

« وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ

به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم آن‌ها دل‌ها (عقل‌ها) بی دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند، و) نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند آن‌ها همچون چهارپایانند بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراه‌اند!)» (اعراف ۱۷۹)

«این آیه صفات گروه دوزخی را در سه جمله خلاصه می‌کند:

نخست این که " آن‌ها قلب‌هایی دارند که با آن درک و اندیشه نمی‌کنند " (لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا).  
دوم این که " چشم‌های روشن و حقیقت‌بین دارند اما با آن‌ها چهره‌ی حقایق را نمی‌نگرند و همچون نابینایان از کنار آن‌ها می‌گذرند " (وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا).

سوم این که " با داشتن گوش سالم، سخنان حق را نمی‌شنوند " و همچون کران خود را از شنیدن حرف حق محروم می‌سازند (وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا).

" این‌ها در حقیقت همچون چهارپایانند " چرا که امتیاز آدمی از چهارپایان در فکر بیدار و چشم بینا و گوش شنوا است که متأسفانه آن‌ها همه را از دست داده‌اند (أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ).  
 " بلکه آن‌ها از چهارپایان گمراه‌تر و پست‌تر می‌باشند " (بَلْ هُمْ أَضَلُّ).

چرا که چهارپایان دارای این استعدادها و امکانات نیستند، ولی آن‌ها با داشتن عقل سالم و چشم بینا و گوش شنوا امکان همه‌گونه ترقی و تکامل را دارند، اما بر اثر هواپرستی و گرایش به پستی‌ها این استعدادها را بلا استفاده می‌گذارند، و بدبختی بزرگ آنان از همین‌جا آغاز می‌گردد.  
 " آن‌ها افراد غافل و بی‌خبری هستند " و به همین جهت در بیراهه‌های زندگی سرگردانند (أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ).

چشمه آب حیات کنار دستشان است، ولی از تشنگی فریاد می‌کشند، درهای سعادت در برابر رویشان باز است، اما حتی به آن نگاه نمی‌کنند.» (تفسیر نمونه ج ۷ ص ۲۱)

«حقیقت غفلت همان است که ایشان دچار آنند، چون غفلتی است که مشیت خدای سبحان مساعد آن است، و مشیت خدا با مهر زدن بر دل‌ها و چشم‌ها و گوش‌هایشان، ایشان را به آن مبتلا کرده، و معلوم است که غفلت ریشه هر ضلالت و باطلی است.» (ترجمه‌المیزان ج ۸ ص ۴۳۹)

«دوزخی شدن بسیاری از انسان‌ها، به خاطر بهره‌نبردن از نعمت‌های الهی در مسیر هدایت و کمال است. زیرا با داشتن چشم، گوش و دل، خود را به غفلت زده‌اند.» (تفسیر نور ج ۴ ص ۲۳۰)

## ۴) جایگاهشان آتش است

« إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ \*  
 أُولَئِكَ مَاوْتَهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ - آن‌ها که ایمان به ملاقات ما (و روز رستاخیز) ندارند، و به  
 زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آن‌ها که از آیات ما غافلند، \* (همه ی) آن‌ها  
 جایگاهشان آتش است، به خاطر کارهایی که انجام می‌دادند! » (یونس/۸ و ۷)

« غفلت از آیات الهی، سرچشمه ی بیگانگی از خدا، و بیگانگی از خدا سرچشمه عدم احساس  
 مسئولیت، و آلودگی به ظلم و فساد و گناه است، و سرانجام آن چیزی جز آتش نمی‌تواند باشد. »

(تفسیر نمونه ج ۸ ص ۲۳۳)

« نزدیک به مضمون این آیه است که: " فَأَعْرَضُ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا \*  
 ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ \* حال که چنین است از کسی که از یاد  
 ما روی می‌گرداند و جز زندگی مادی دنیا را نمی‌طلبد، اعراض کن! \* این آخرین حدّ آگاهی آن‌هاست  
 پروردگار تو کسانی را که از راه او گمراه شده‌اند بهتر می‌شناسد " (نجم/۲۹ و ۳۰)

این آیه نیز دلالت دارد بر این که اعراض از ذکر خدا غفلت از آیات او است، و باعث آن می‌شود که  
 دید آدمی کوتاه گشته، علم او تنها در چهار دیواری تنگ زندگی دنیا و شوون آن دور بزند و این خود  
 ضلالت از راه خدا است، که این ضلالت به فراموشی روز حساب تعریف شده، آن‌جا که می‌فرماید: " إِنَّ  
 الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ - کسانی که از راه خدا گمراه شوند،  
 عذاب شدیدی به خاطر فراموش کردن روز حساب دارند " (ص/۲۶) « (ترجمه‌المیزان ج ۱۰ ص ۱۸)  
 «اطمینان واقعی تنها با یاد خداست و دنیا، آرام‌بخش کاذب آن هم برای غافلان است.  
 "اطْمَأَنُّوا بِهَا" ... غَافِلُونَ» (تفسیر نور ج ۵ ص ۱۸۵)

## ۵) حسرت بزرگ

« وَ أَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ وَ هُمْ لَا يُؤْمِنُونَ - آنان را از روز حسرت [روز  
 رستاخیز که برای همه مایه تأسف است] بترسان، در آن هنگام که همه چیز پایان می‌یابد! و آنها  
 در غفلتند و ایمان نمی‌آورند! » (مریم/۳۹)

« معنای آیه این می‌شود که: ای پیغمبر! ایشان را بترسان از روزی که امر قضاء می‌شود، یعنی  
 کار یکسره می‌گردد و هلاکت دائمی بر آنان حتمی می‌شود، آن وقت از سعادت همیشگی که  
 روشنی چشم هر کسی است منقطع می‌گردند، پس حسرتی می‌خورند که با هیچ مقیاسی  
 اندازه‌گیریش ممکن نیست، و این بدان جهت است که اینان در دنیا غفلت ورزیدند. »

(ترجمه‌المیزان ج ۱۴ ص ۶۶)

## ۶) انتقام الهی

خداوند پس از ذکر پیمان شکنی های فرعون و فرعونیان، می فرماید که از آن ها انتقام گرفتیم و سپس دلیل پیمان شکنی آن ها که منجر به انتقام الهی شد را تکذیب آیات الهی و غفلت از آن آیات ذکر می فرماید: « فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ - سرانجام از آن ها انتقام گرفتیم، و آنان را در دریا غرق کردیم زیرا آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند. » (اعراف/۱۳۶)

## ۷) گرویدن به شیطان

« وَ مَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَانِ نُقِصْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ - و هر کس از یاد خدا روی گردان شود شیطان را به سراغ او می فرستیم پس همواره قرین اوست! » (زخرف/۳۶)

امام سجاد علیه السلام در دعایی می فرماید که خدایا ما را از خواب غفلت بیدار کن تا به شیطان نگرسیم. از این دعا استفاده می شود که اگر در غفلت بمانیم خطر بسیار بزرگی بر سر راه ماست که از شیطان پیروی کنیم و از پیروان او باشیم.

« اَللّٰهُمَّ وَ مَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرَّفْنَا... وَ اَيُّقْظُنَا عَنْ سِنَةِ الْغَفْلَةِ بِالرُّكُونِ اِلَيْهِ

بار خدایا، حقیقت هر باطل را که شیطان در چشم ما می آراید به ما بشناسان...  
و از خواب غفلت بیدارمان ساز که بدو نگرسیم. »

(دعای ۱۷ صحیفه سجادیه - دعای آن حضرت هنگامی که گفتگوی شیطان می شد و از او و دشمنی و مکر او به خدا پناه می برد)

## ۸) بی اعتنایی خدا

در حدیث قدسی می فرماید: « يَا أَحْمَدُ أَنْتَ لَا تَغْفُلُ أَبَدًا مَنْ غَفَلَ عَنِّي لَا أَبَالِي بِأَيِّ وَادٍ هَلَكَ - یا احمد هیچ گاه از من غافل نشو، زیرا هر کس از من غافل شد نسبت به این که در کدام راه هلاک می شود اعتنایی نمی کنم. » (إرشادالقلوب ج ۱ ص ۲۰۵)

## ۹) غفلت از خود

امام صادق (ع) : «از غفلت بپرهیزید، چه هر کس غافل شود، از خود غافل شده است.»  
یعنی از سرنوشت خود و آینده خود غافل شده است. (بحارالأنوار ج ۶۹ ص ۲۲۷)

## ۱۰) قساوت قلب

و اگر دل کسی بمیرد خداوند می فرماید: « فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُوْلَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ - وای بر آنان که قلبهایی سخت در برابر ذکر خدا دارند! آن ها در گمراهی آشکاری هستند! » (زمر/۲۲)

امام باقر علیه السلام به جابر فرمود: « وَ اِيَّاكَ وَ الْغَفْلَةَ فَفِيهَا تَكُونُ قَسَاوَةُ الْقُلُوبِ - مبادا دچار غفلت شوی که در آن سنگ دلی باشد. » (مستدرک ج ۱۲ ص ۹۳)

## آثار غفلت در بیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام:

- (۱۱) غفلت زیان بخش ترین دشمنان است.
  - (۱۲) وای بر کسی که غلبه کند بر او غفلت، پس فراموش کند رحلت را و آماده نگردد.
  - (۱۳) غفلت و بی خبری گمراهی نفس ها و عنوان انواع بدبختی هاست.
  - (۱۴) غفلت سبب فرحناکی است. (این فرحناکی مذموم است زیرا کسی که غافل نباشد و آنچه در قیامت در پیش دارد را گاهی به خاطر آورد بی هم و اندوه نخواهد بود).
  - (۱۵) غفلت ضدّ دور اندیشی است.
  - (۱۶) غفلت باعث فریب خوردن است و هلاکت را نزدیک می سازد.
  - (۱۷) دایم بودن غفلت بینایی (دل) را از بین می برد.
  - (۱۸) هر که به درازا کشد غفلت او، تعجیل کند هلاک او.
  - (۱۹) غافل خواب آلوده است و غفلت فریب.
  - (۲۰) هر که غلبه کند بر او غفلت، بمیرد دل او.
- (شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم)

## نشانه های غافل

رسول اکرم فرمود:

« عَلَامَةُ الْغَافِلِ فَرْبَعَةٌ الْعَمَى وَالسَّهْوُ وَاللَّهُوُ وَالنَّسْيَانُ -

علامت غافل چهار چیز است:

- ۱- کوردلی
  - ۲- اشتباه
  - ۳- سرگرمی
  - ۴- فراموش کاری.
- ( مستدرک ج ۱۲ ص ۲۲ )
- امام صادق علیه السلام فرمود: « علامت غفلت سه چیز است:
- ۵- از بین رفتن شیرینی عبادت
  - ۶- تلخ نشدن معصیت
  - ۷- فرق نگذاشتن در میان حلال و حرام.» (مصباح الشریعه، ت مصطفوی ص ۱۲)
- امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: « الْغَفْلَةُ تَرْكُكَ الْمَسْجِدِ وَ طَاعَتِكَ الْمُفْسِدِ
- ۸- غفلت آن است که مسجد را ترک کنی و
  - ۹- از مفسد پیروی نمایی.» ( بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۱۱۴ )
- « كَفَى بِالرَّجُلِ غَفْلَةً أَنْ يُضَيِّعَ عُمُرَهُ فِيمَا لَا يُنْجِيهِ -
- ۱۰- برای غفلت مرد همین کافی است که عمر خود را در چیزی که سبب نجات او نیست ضایع کند.»
- ( غررالحکم ص ۱۶۰ شماره ۳۰۶۳ )

## عوامل غفلت

در آیات و روایات به مسائلی به عنوان عوامل ایجاد غفلت اشاره شده است که بعضی از آن‌ها زیر مجموعه بعضی دیگر است. اما در این جا ما فارغ از این موضوع، آن چه از این کلام‌های نورانی به دست آورده‌ایم به صورت فهرست‌وار نقل می‌نماییم.

### ۱) توجه به ظواهر دنیا

خداوند در آیات ابتدایی سوره روم بعد از این که وعده پیروزی رومیان بر ایرانیان را می‌دهد، می‌فرماید:

وَعَدَ اللَّهُ لَّا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعَدَهُ وَ لَّا كِثْرَ النَّاسِ لَّا يَعْلَمُونَ

« این وعده‌ای است که خدا کرده و خداوند هرگز از وعده‌اش تخلف نمی‌کند ولی بیشتر مردم نمی‌دانند! » (روم/۶)

سپس دلیل این نادانی و بی‌توجهی مردم را غفلت آنان بیان می‌کند:

« يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ »

آن‌ها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند، و از آخرت (و پایان کار) غافلند! » (روم/۷)

« با تکرار ضمیر " هُمْ " به این حقیقت اشاره می‌کند که علت این غفلت و بی‌خبری خود آن‌ها هستند، درست مثل این که کسی به ما بگوید: مرا از این امر تو غافل کردی، و در جواب بگوییم: تو خودت غافل شدی، یعنی سبب غفلت خودت بودی. » (تفسیر نمونه ج ۱۶ ص ۳۶۵)

« بینش یک انسان مؤمن و الهی با یک فرد مادی یا مشرک تفاوت بسیار دارد. اولی طبق عقیده توحیدی جهان را مخلوق خداوند حکیم و آگاهی می‌داند که تمام افعالش روی حساب و برنامه است. این بینش توحیدی به او می‌گوید: از کنار هیچ حادثه و هیچ موضوعی ساده نگذر زیرا ممکن است ساده‌ترین مسائل پیچیده‌ترین آن‌ها باشد. در حالی که یک فرد مادی و بی‌ایمان دنیا را مجموعه‌ای از حوادث کور و کر و بی‌هدف می‌شمرد، و جز به ظاهر آن نمی‌اندیشد. اصلاً برای آن باطن و عمقی قائل نیست و این اختلاف دیدها در تمام زندگی آن‌ها اثر می‌گذارد: آن " ظاهرین " انفاق را سبب خسران و زیان می‌شمرد، در حالی که این " موحد " تجارتی پر سود می‌داند. آن یکی رباخواری را مایه‌ی افزایش درآمد، و این یکی مایه‌ی وبال و بدبختی و زیان. آن یکی جهاد را مایه دردرس و شهادت را به معنی نابودی و این یکی جهاد را رمز سربلندی و شهادت را حیات جاویدان می‌شمرد. » (نمونه ج ۱۶ ص ۳۶۷)

### ۲) دنیاگرایی و برتری دادن آن

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَا كَيْفَ مَنْ شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ  
غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰۶)

« کسانی که بعد از ایمان کافر شوند - به جز آن‌ها که تحت فشار واقع شده‌اند در حالی که قلبشان آرام و با ایمان است - آری، آن‌ها که سینه‌ی خود را برای پذیرش کفر گشوده‌اند، غضب خدا بر آن‌هاست و عذاب عظیمی در انتظارشان!

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحْبَبُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۱۰۷)

این به خاطر آن است که زندگی دنیا (و پست را) بر آخرت ترجیح دادند و خداوند افراد بی‌ایمان (لجوج) را هدایت نمی‌کند

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (۱۰۸)

آن‌ها کسانی هستند که (بر اثر فزونی گناه)، خدا بر قلب و گوش و چشمانشان مهر نهاده (به همین دلیل نمی‌فهمند)، و غافلان واقعی همان‌ها هستند!

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَسِرُونَ (۱۰۹)

و ناچار آن‌ها در آخرت زیان‌کارند. « (نحل)

نکته بسیار مهمی که از این آیات استفاده می‌شود این است که: « دنیاگرایی و برتری دادن آن، سبب غفلت از آخرت، نفهمیدن، نشنیدن و ندیدن حقایق است. » (تفسیر نور ج ۶ ص ۴۶۱)

### ۳) افزون‌طلبی

« أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ - افزون‌طلبی (و تفاخر و علاقه‌ی به مال اندوزی و به رخ کشیدن آن) شما را به خود مشغول داشته (و از خدا غافل نموده) است. (تکاثر/۱)

"الهاکم" از ماده "لهو" به معنی سرگرم شدن به کارهای کوچک و غافل ماندن از اهداف و کارهای مهم است، "راغب" در "مفردات" می‌گوید:

"لهو" چیزی است که انسان را به خود مشغول داشته، و از مقاصد و اهدافش باز می‌دارد.

"تکاثر" از ماده "کثرت" به معنی تفاخر و مباحات و فخرفروشی بر یکدیگر است «۱».

"زرتم" از ماده "زیارة" و "زور" (بر وزن قول) در اصل به معنی قسمت بالای سینه است، سپس به معنی ملاقات کردن و روبرو شدن به کار رفته است.

در استعمالات روزمره فارسی "تکاثر" به معنی ثروت‌اندوزی استعمال می‌شود در حالی که این معنی در ریشه لغوی آن نیست، ولی در بعضی از روایات چنین استعمالی آمده است.

"زور" (بر وزن قمر) به معنی کج شدن قسمت بالای سینه است، و از آنجا که دروغ نوعی



انحراف از حق است، به آن، "زور" (بر وزن نور) اطلاق می‌شود.

"مقابر جمع" مقبره" به معنی محل قبر میت است، و زیارت کردن مقابر در این جا یا کنایه از مرگ است (طبق بعضی از تفاسیر) و یا به معنی رفتن به سراغ قبرها برای شماره کردن و تفاخر نمودن (طبق تفسیر مشهور).

امیر مؤمنان علی ع در این زمینه در نهج البلاغه آمده است که بعد از تلاوت "أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ" فرمود:

يَا لَهْ مَرَامًا مَا أَبْعَدَهُ وَ زَوْرًا مَا أَغْفَلَهُ وَ خَطْرًا مَا أَفْظَعَهُ لَقَدْ اسْتَخْلَوْا مِنْهُمْ أَيَّ مَدْكِرٍ وَ تَنَافَسُوا مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ أَفَبِمَصَارِعِ آبَائِهِمْ يَفْخَرُونَ أَمْ بَعْدِيذِ الْهَلَكِيِّ يَتَكَاثَرُونَ يَرْتَجِعُونَ مِنْهُمْ أَجْسَادًا خَوْتًا وَ حَرَكَاتٍ سَكَنَةً وَ لَأَنْ يَكُونُوا عِبْرًا أَحَقُّ مِنْ أَنْ يَكُونُوا مُفْتَخَرًا!!

"شگفتا! چه هدف بسیار دوری؟ و چه زیارت کنندگان غافلگی؟ و چه افتخار موهوم و رسوایی؟ به یاد استخوان پوسیده کسانی افتاده‌اند که سالها است خاک شده‌اند، آنهم چه یادآوری؟ با این فاصله دور به یاد کسانی افتاده‌اند که سودی به حالشان ندارند، آیا به محل نابودی پدران خویش افتخار می‌کنند؟ و یا با شمردن تعداد مردگان و معدومین خود را بسیار می‌شمرند؟ آنها خواهان بازگشت اجساد هستند که تار و پودشان از هم گسسته، و حرکاتشان به سکون مبدل شده. این اجساد پوسیده اگر مایه عبرت باشند سزاوارتر است تا موجب افتخار گردند" «نهج البلاغه خ ۲۲۱» این خطبه که تنها به قسمتی از آن در این جا اشاره کرده‌ایم به قدری تکان دهنده و گویا و صریح است که "ابن ابی الحدید" معتزلی می‌گوید: من به کسی که همه ی امت‌ها به او سوگند یاد می‌کنند قسم می‌خورم که از پنجاه سال پیش تا کنون بیش از هزار بار این خطبه را خوانده‌ام، و در هر بار در درون قلبم لرزش و ترس و پند و موعظه تازه‌ای پدید آمده، و در روحم به سختی اثر گذارده، اعضاء و جوارحم به لرزه افتاده، و هرگز نشده که در آن تامل کنم جز اینکه در آن حال به یاد مرگ خانواده و بستگان و دوستانم افتاده‌ام و درست برایم مجسم شده که من همانم که امام علیه السلام توصیف فرموده است. چه قدر واعظان و خطبا و گویندگان و افراد فصیح در این باره سخن گفته‌اند، و من گوش فرا داده‌ام، و در سخنان آنها دقت کرده‌ام، ولی در هیچیک تاثیر سخن امام علیه السلام را نیافته‌ام! این تاثیری که سخن او در قلب من می‌گذارد یا از ایمانی سرچشمه می‌گیرد که به گوینده آن تعلق دارد، و یا نیت یقین و اخلاص او سبب شده است که اینچنین در ارواح نفوذ کند، و در قلوب جایگزین شود" (تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص: ۲۷۷)

#### ۴ نگاه زیادی

الف) رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: « وَ إِيَّاكُمْ وَ فُضُولَ النَّظَرِ فَإِنَّهُ يَبْدُرُ الْهَوَى وَ يُؤَلِّدُ

الْغَفْلَةَ - شما را بر حذر می‌دارم از نگاه زیادی، زیرا هوای نفس را در دل می‌کارد و باعث غفلت می‌شود». (عدة الداعی ص ۳۱۳) منظور در این حدیث ادامه نگاه به نامحرم و نگاه به چیزهایی که احتمال گناه از آن می‌رود یا احتمال این که دل انسان آن را طلب کند. مانند نگاه به فیلم، عکس، کتاب، بلوتوث و امثال آن.

ب) امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: « فِي الْبَدَنِ شَيْءٌ أَقَلُّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ فَلَا تُعْطَوْهَا سُؤْلَهَا فَتَشْغَلْكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - در بدن چیزی کم سپاس‌تر از چشم نیست، پس هر چه می‌خواهد به او ندهید؛ مبادا شما را از یاد خدا غافل سازد». (خصال، ج ۲، ص ۶۲۹)

### تیر شیطان

و نیز فرمود: « الْعُيُونُ مَصَائِدُ الشَّيْطَانِ - چشم‌ها شکارگاه شیطان است. » (غررالحکم/ ۵۵۶۰) و « ابلیس گفته! نگاه کردن تیر و کمان من است که هرگز در آن خطا نمی‌کنم ». (علم اخلاق اسلامی ج ۳ ص ۱۴)

### حسرت

حضرت امیر (علیه السلام) فرمود: كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ جَلَبَتْ حَسْرَةً - بسا نگاه کردنی که بکشد (جلب کند) حسرتی را « (مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۲۷۱)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: « النَّظْرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً - نگاه ناروا تیری است زهرآلود از تیرهای شیطان که به قلب صاحبش می‌خورد و چه بسیار نظرهای ناروا که حسرت طولانی در پی دارد ». (المحاسن ج ۱ ص ۱۰۹)

چون همیشه انسان آن چه را می‌بیند به دست نمی‌آورد باعث حسرت همیشگی شده و ذهن فرد را به‌طور دائم مشغول به مسائل جنسی می‌نماید.

### فراموش نمی‌شود

از طرفی حتی اگر یک بار صحنه‌ای را ببیند و تا آخر عمر دیگر توبه کرده و دنبال این گناه نباشد، هر از چندگاهی شیطان و نفس اماره صحنه‌ای را که دیده از عمق ذهن بیرون کشیده و در معرض دیدگان خیال انسان قرار می‌دهند تا بتوانند دوباره فرد را به گناه آلوده نمایند. از این رو سفارشات زیادی در اسلام به کنترل نگاه شده است.

حضرت علی (ع) در روایتی نورانی می‌فرماید: « الْقَلْبُ مُصْحَفُ الْبَصَرِ - قلب مصحف دیدگان است » یعنی هر چه بخواهی در این کتاب به وسیله دیدگان می‌نویسی. (نهج البلاغه صبحی، ص ۵۴۸)

### يَغُضُّوا وَ يَغُضُّنَ

« قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ » (نور/ ۳۰) « به مردان مؤمن بگو چشم‌های

خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند.»  
 «و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ  
 بِخُمْرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...» (نور/۳۱) «و به زنان با ایمان بگو  
 چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را  
 - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود  
 افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای  
 شوهرانشان...».

### يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ

همچنین در آیه ۱۹ سوره غافر می‌فرماید: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تَخْفِي الصُّدُورُ -  
 او چشم‌هایی را که به خیانت می‌گردد و آن‌چه را سینه‌ها پنهان می‌دارند، می‌داند.»

### نگاه به خانه همسایه

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آخرین خطبه‌ای که برای مردم خواند، فرمود:  
 « - کسی که به خانه همسایه خود نگاه کند و به شرمگاه مردی یا موی زنی و یا به قسمتی از  
 بدن او نگاه کند، بر خداوند است که او را با منافقانی که در دنیا به دنبال عیب‌جویی از مردم  
 بودند وارد جهنم سازد، و تا رسوا نگردد از دنیا نرود، و در قیامت شرمگاه او را برای مردم  
 آشکار سازد.» (ثواب‌الأعمال النص ص ۲۸۲)

رسول اکرم (ص) فرموده است: «مَنْ اَطَّلَعَ فِي بَيْتٍ بَغَيْرِ إِذْنِهِمْ فَقَدْ حَلَّ لَهُمْ أَنْ يَفْقُؤُوا عَيْنَهُ - هر کس  
 بی‌اجازه، به خانه‌ای دید بزند، آنان حق دارند که چشمش را کور سازند.» (مستدرک ج ۱۸ ص ۲۳۵)

**خانه‌های بلند جایگاه شیطان** امام صادق علیه‌السلام فرمود: « سَمُّكَ الْبَيْتِ سَبْعَةُ أَذْرُعٍ أَوْ ثَمَانُ  
 أَذْرُعٍ فَمَا فَوْقَ ذَلِكَ فَمَحْضَرٌ لِلشَّيَاطِينِ - بلندی و ارتفاع خانه باید هفت یا هشت ذراع باشد که  
 بیشتر از آن مسکن شیطان خواهد بود.» (مکارم‌الأخلاق ص ۱۲۶)

و فرمود: « مَا مِنْ إِنْسَانٍ يَبْنِي فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ إِلَّا وَ يَأْوِي الشَّيْطَانُ فِيمَا فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ وَ الْوَاجِبُ أَنْ  
 يُكْتَبَ لَهُ فِيهِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ حَتَّى لَا يَأْوِيَ فِيهِ الشَّيْطَانُ - هیچ انسانی سقف خانه‌اش را از هشت ذراع  
 بلندتر نسازد مگر آن که شیطان در آن جا مسکن گیرد پس اگر بیش از هشت ذراع ساخت بر  
 آن آیه‌الکرسی نویسد، تا شیطان در آن مأوی نکند.» (مکارم‌الأخلاق ص ۱۲۷)

هر ذراع برابر طول ۲۴ انگشت در کنار هم است که در حدود ۵۰ سانتی متر می‌گردد.  
 (ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن ج ۲ ص ۷)

### یک نگاه و بی‌دینی

مودنی قریب چهل سال اذان گفت. روزی پس از اذان نگاه به خانه‌های اطراف مسجد انداخت و ناگهان چشمش به خانه‌ای افتاد که دختر جوانی در آن در حال شستن دست و صورت خود بود. شیطان نیز او را وسوسه کرد تا به دختر بیشتر نگاه کند و با ادامه نگاه‌ها به دختر دل بست.

روز بعد به جای اذان گویی و نماز به به در خانه دختر رفت و در زد، پدر خانه در را باز کرد و هنگامی که چشمش به مودن مسلمان افتاد با کمال تعجب و شگفتی پرسید: چه کار داری؟ مودن جواب داد: برای خواستگاری از دختر شما آمده‌ام. پدر آن دختر که از این پیشنهاد غرق در حیرت و تعجب شده بود، کمی فکر کرد و گفت: ما ما یهودی هستیم و دختر به مسلمان نمی‌دهیم. مودن که شهوت سرتاپای او را گرفته بود، گفت: حاضرم به دین شما درآیم! مراسم درآمدن مودن به دین گبریان انجام شد و سپس مراسم مهمانی ازدواج نیز صورت گرفت. حجله عروسی را در طبقه بالا قرار دادند و آقای داماد سر از پا نشناخته و با عجله چند پله بالا رفت و زمانی که به پله آخر رسید، پایش لغزید و از همان جا به وسط حیاط پرت شد و در دم جان باخت. (داستان‌های پراکنده شهید دستغیب)

**آتش** و در همان خطبه فرمود: « وَ مَنْ مَلَأَ عَيْنَيْهِ مِنْ امْرَأَةٍ حَرَامًا حَشَاهُمَا اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَسَامِيرٍ مِنَ النَّارِ وَ حَشَاهُمَا نَارًا حَتَّى يَقْضِيَ بَيْنَ النَّاسِ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ - هر کس چشمان خود را پر کند از دیدن زنی که دیدنش بر او حرام است خدای عز و جل در روز قیامت دو دیده او را با میخ‌های آتشین پر نماید و آن‌ها را پر از آتش کند تا وقتی که درباره مردم حکم نماید، آن‌گاه امر صادر شود که او را به دوزخ برید. » (ثواب‌الأعمال النص، ص ۲۸۶)

**هلاکت** امام صادق علیه السلام فرمود: « أَوَّلُ نَظْرَةٍ لَكَ وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْكَ وَ لَا لَكَ وَ الثَّلَاثَةُ فِيهَا الْهَلَاكُ - دیدن اول (چون عمدی نبوده) به نفع تو، ولی نظر دوم (چون ارادی است) به ضرر تو خواهد بود، و نظر سوم تو را به هلاکت خواهد افکند » (وسائل الشیعه ج ۲ ص ۱۹۳)

**فتنه** عیسی (ع) فرمود: « از نگاه کردن (به نامحرم) بپرهیزید، که شهوت را در دل شما کشت می‌کند و می‌پرورد، و نگریستن برای فتنه کافی است. » (علم‌اخلاق اسلامی ج ۳ ص ۱۴)

**سرچشمه‌ی زنا:** از یحیی بن زکریا پرسیدند که ابتدای زنا و سرچشمه‌ی آن چیست؟ فرمود: «نگاه کردن و آرزو نمودن». (علم‌اخلاق اسلامی ج ۳ ص ۱۴)

### بهترین عامل روگردانی از شهوات

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: « نِعْمَ صَارِفُ الشَّهَوَاتِ غَضُّ الْأَبْصَارِ - بهترین عامل روی گردانی از خواهش‌ها و امیال، فرو بستن چشم‌هاست. » (غررالحکم/ ۵۵۵۹)

## زنای چشم

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده‌اند:

« لِكُلِّ عَضْوٍ مِنْ ابْنِ آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزَّانَا. برای هر عضوی از اعضاء آدمی بهره‌ای از زناست

فَالْعَيْنُ زِنَاهُ النَّظْرُ - زنای چشم‌ها نگریستن

وَ اللِّسَانُ زِنَاهُ الْكَلَامُ - و زنای زبان سخن گفتن

وَ الْأُذُنَانِ زِنَاهُمَا السَّمْعُ - و زنای گوش‌ها شنیدن

وَ الْيَدَانِ زِنَاهُمَا الْبَطْشُ - و زنای دست تعدی نمودن

وَ الرَّجُلَانِ زِنَاهُمَا الْمَشْيُ - و زنای پاها رفتن

وَ الْفَرْجُ يُصَدِّقُ ذَلِكَ وَ يُكَذِّبُهُ - و عورت ممکن است از آن‌ها پیروی کند یا نکند».

### اگر چشم را از حرام حفظ کردیم!

امام اول شیعیان علیه السلام فرموده است: « غَضُّ الطَّرْفِ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ - بهترین

عبادت چشم‌پوشی از محرّمات خداست». (مستدرک ج ۱۱ ص ۲۸۰)

و درباره‌ی صفات متقین فرموده است: « غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ - آن‌ها از آن‌چه

خدا بر آن‌ها حرام کرده چشم پوشیدند». (نهج البلاغه / خطبه متقین)

همچنین آن حضرت پاکان را در جامعه می‌ستاید و چنین توصیف می‌کند: « وَ بَقِيَ رِجَالٌ

غَضَّ أَبْصَارَهُمْ ذِكْرُ الْمَرْجِعِ وَ أَرَأَقَ دُمُوعُهُمْ خَوْفُ الْمَحْشَرِ - و مردانی باقی مانده‌اند که یاد معاد چشم

آن‌ها را پوشانده و ترس از محشر اشک‌شان را جاری ساخته است». (نهج البلاغه (صبحی) ص ۷۵)

این عمل آن‌ها باعث شده تا عجایب عالم هستی را بهتر دیده و درک کنند زیرا رسول

اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: « غَضُّوا أَبْصَارَكُمْ تَرَوْنَ الْعَجَائِبَ - چشم‌ها را از حرام ببندید تا

عجایب را ببینید». (مصباح الشریعة (ت مصطفوی) متن، ص ۱۷۳)

در همین راستا امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: « مَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ فَرَفَعَ بَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ أَوْ

غَمَّضَ بَصَرَهُ لَمْ يَرْتَدِّ إِلَيْهِ بَصَرُهُ حَتَّى يُزَوِّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ - اگر کسی چشمش به زنی افتد و چشم

از او بردارد و به آسمان اندازد، یا ببندد، هنوز چشم به هم نزده که خداوند حورالعینی به او

تزوید نماید». (من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۴۷۴)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: سؤال شد از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

درباره‌ی مردی که به زنی می‌رسد و به او نگاه می‌کند. آن حضرت فرمود: « أَوَّلُ نَظْرَةٍ لَكَ وَ

الثَّانِيَةُ عَلَيْكَ وَ لَا لَكَ وَ النَّظْرَةُ الثَّلَاثَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ لَا لِغَيْرِهِ أَعَقَبَهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ

طَعْمَهُ - نگاه اول برای تو و نگاه دوم بر تو و نگاه سوم تیری مسموم از تیرهای شیطان است که

هرکس برای خدا نه برای غیر او آن را ترک کند خداوند ایمانی به او عطا می‌کند که طعمش

را می‌چشد». (مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۲۶۸)

## نتیجه ترک یک نگاه - بهشت من همه در صورت علی پیداست

از علامه جعفری می پرسند چی شد که به این کمالات رسیدید؟ ایشان در جواب خاطره‌ای از دوران طلبگی تعریف کرده و اظهار می کنند که هر چه دارند از کراماتی است که به دنبال این امتحان الهی نصیبشان شده:

ما در نجف در مدرسه صدر اقامت داشتیم. خیلی مقید بودیم که، در جشن‌ها و ایام سرور، مجالس جشن بگیریم، و ایام سوگواری را هم، سوگواری می گرفتیم، یک شبی مصادف شده بود با ولادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها اول شب نماز مغرب و عشا می خواندیم و یک شربت می خوردیم آن گاه با فکاهیاتی مجلس جشن و سرور ترتیب می دادیم.

یک آقای بود به نام آقا شیخ حیدر علی اصفهانی، که نجف آبادی بود، معدن ذوق بود. او که، می آمد جلسه دست او قرار می گرفت.

آن ایام ۱۰ تا ۲۱ مرداد نجف خیلی گرم می شد. گرما اصلاً قابل تحمل نبود.

حجره من هم رو به شرق بود تقریباً هم مخروطه بود. من فروردین را در آن جا به طور طبیعی مطالعه می کردم و می خوابیدم. اردیبهشت هم مقداری قابل تحمل بود ولی دیگر از خرداد امکان استفاده از حجره نبود. گرما واقعاً کشنده بود، وقتی می خواستم بروم از حجره کتاب بردارم مثل این بود که وردست نان را از داخل تنور بر می دارم، در اقل وقت و سریع!

با این تعاریف این جشن افتاده بود به این موقع، مدیر مدرسه مان، مرحوم آقا سید اسماعیل اصفهانی هم آن جا بود، به آقا شیخ علی گفت: آقا شب نمی گذره، حرفی داری بگو.

ایشان یک تکه کاغذ روزنامه در آورد

عکس یک دختر بود که زیرش نوشته بود «اجمل بنات عصرها - زیباترین دختر روزگار»

گفت: آقایان من درباره ی این عکس از شما سؤال می کنم. اگر شما را مخیر کنند بین این که با این دختر به طور مشروع و قانونی ازدواج کنید - از همان اولین لحظه ملاقات عقد جاری شود و حتی یک لحظه هم خلاف شرع نباشد - و هزار سال هم زندگی کنید. با کمال خوش رویی و بدون غصه، یا این که جمال علی علیه السلام را مستحباتاً زیارت و ملاقات کنید. کدام را انتخاب می کنید.

سؤال خیلی حساب شده بود. طرف دختر حلال بود و زیارت علی علیه السلام هم مستحبی.

گفت آقایان واقعیت را بگویید. جا نماز آب نکشید، عجله نکنید، درست جواب دهید. اول کاغذ را مدیر مدرسه گرفت و نگاه کرد و خطاب به پسرش که در کنارش نشسته بود با لهجه اصفهانی گفت: سید محمد! ما یک چیزی بگوئیم نری به مادرت بگوئی‌ها؟ معلوم شد نظر آقا چیست؟ شاگرد اول ما نمره اش را گرفت! همه زدند زیر خنده.

کاغذ را به دومی دادند. نگاهی به عکس کرد و گفت: آقا شیخ علی، اختیار داری، وقتی آقا (مدیر مدرسه) این طور فرمودند مگر ما قدرت داریم که خلافتش را بگوئیم.

نفر سوم گفت: آقا شیخ حیدر این روایت از امام علی علیه السلام معروف است که فرموده اند:

« یا حارث حمدانی من یمت یرنی - ای حارث حمدانی هر کس بمیرد مرا ملاقات می کند» پس ما ان شاء الله در موقعش جمال علی علیه السلام را ملاقات می کنیم! باز هم همه زدند زیر خنده. یکی از آقایان گفت: آقا شیخ حیدر گفتی زیارت آقا مستحبی است؟ گفتی آن هم شرعی صد در صد؟ آقا شیخ حیدر گفت: بلی گفت: والله چه عرض کنم. نفر پنجم من بودم. این کاغذ را دادند دست من. دیدم که نمی توانم نگاه کنم، کاغذ را رد کردم به نفر بعدی.

گفتم: من یک لحظه دیدار علی علیه السلام را به هزاران سال زناشویی با این زن نمی دهم. یک وقت دیدم یک حالت خیلی عجیبی دست داد. تا آن وقت همچو حالتی ندیده بودم. شبیه به خواب و بی هوشی بلند شدم. اول شب قلب الاسد وارد حجره ام شدم، حالت غیر عادی، حجره رو به مشرق دیگر نفهمیدم، یک بار به حالتی دست یافتم. یک دفعه دیدم یک اتاق بزرگی است یک آقای نشسته در صدر مجلس، تمام علامات و قیافه ای که شیعه و سنی درباره ی امام علی علیه السلام نوشته در این مرد موجود است. یک جوانی پیش من در سمت راستم نشسته بود. پرسیدم این آقا کیست؟

گفت: این آقا خود علی علیه السلام است، من سیر او را نگاه کردم. آمدم بیرون، رفتم همان جلسه، کاغذ رسیده بود دست نفر نهم یا دهم، رنگم پریده بود. نمی دانم شاید مرحوم شمس آبادی بود خطاب به من گفت: آقا شیخ محمد تقی شما کجا رفتید و آمدید؟ نمی خواستم ماجرا را بگویم، اصرار کردند و من بالاخره قضیه را گفتم و ماجرا را شرح دادم، خیلی منقلب شدند. خدا رحمت کند آقا سید اسماعیل (مدیر) را خطاب به آقا شیخ حیدر گفت: آقا دیگر از این شوخی ها نکن، ما را بد آزمایش کردی.

مرا به روز قیامت به خلد کاری نیست بهشت من همه در صورت علی پیداست

### چند نگاه دیگر را ترک کن

الف) از آن جا که اندام زن برای مرد تحریک کننده است، مرد حق ندارد به بدن او نگاه نماید؛ چه به قصد لذت باشد و چه نباشد. اگر نگاه به صورت و دست های زن تا مچ مجاز شمرده شده است، ظاهراً به خاطر عسر و حرجی است که در پوشش زنان پیش می آید؛ علاوه بر این که، این جواز هم در صورتی است که به قصد لذت نباشد.

ب) حضرت عیسی علیه السلام در روایت جالبی، حتی از نگاه به لباس زن نیز نهی فرموده است: « نباید به چیزی که بر تو روا نیست، خیره نگاه کنی، زیرا تا وقتی که چشمت را حفظ کنی هرگز دچار زناکاری نمی شوی، و اگر توانستی به لباس زنی که نامحرم است نگاه نکنی،

نگاه نکن». (مجموعه ورام، ج ۱ ص ۶۲)

ج) در چند روایت از نگاه کردن به پشت سر زن ها هر چند با حجاب باشند نهی شده است که البته حمل بر کراهت می شود. (گناهان کبیره ج ۱ ص ۲۱۳)

داود علیه السلام به پسر خود گفت: «فرزندم به دنبال شیر راه برو و در عقب زن راه مرو». (علم اخلاق اسلامی ج ۳ ص ۱۴)

د) و همچنین نظر کردن مردان بر پسران امرد (بی مو، که موی بر زرخ نیاورده اند) اگر از روی شهوت و موجب فتنه باشد حرام شده است. و از این رو بزرگان دین و اخیار هر عصر و دیاری از نظر کردن به روی پسران احتراز می نمودند، حتی یکی از آنان گفته است: «ترس من برای جوان عابد و زاهدی که با پسر امرد می نشیند بیشتر از ترسی است که برای او از درنده های خطرناک دارم» (علم اخلاق اسلامی ج ۳ ص ۱۴)

ه) تا حد ممکن «هیچ گاه بدن عریان خود را در آینه نگاه نکنید». (نرم افزار قرائتی - مجموعه فیش های تبلیغی (۱)، استمنا، ص ۱) زیرا می تواند تحریک کننده شهوت باشد.

برهنگی و برهنه کردن کار شیطان است. «فَوَسْوَسَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَ مَا وُورِيَ عَنْهُمُ مِنْ سَوَاءَاتِهِمَا - اعراف/ ۲۰ - پس شیطان، آن دو (آدم و همسرش) را وسوسه کرد تا آنچه را از زشتی (عورت) شان از آن دو مخفی بود، برایشان آشکار سازد». (تفسیر نور، ج ۴ ص ۴۵)

### زنان هم نگاه نکنند

الف) نگاه کردن زن هم به مرد، در زمینه میل جنسی تاثیر دارد؛ از این رو به آن ها هم سفارش شده که به مردها نگاه نکنند (سوره نور آیه ۳۱)؛ به خصوص اگر به قصد لذت جویی باشد.

ب) امام علی علیه السلام در سفارش به امام حسن علیه السلام می فرماید: «وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ - اگر بتوانی کاری کنی که (همسرت) در نهایت غیر خودت را نشناسند این کار را بکن» (تحف العقول، النص، ص ۸۷) یعنی کاری کن تا جایی که ممکن است هیچ نامحرمی را نبیند.

ج) حضرت زهرا سلام الله علیها نیز فرموده اند:

«خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالَ - بهترین برای زنان این است که مردان آن ها را نبینند و آن ها مردان را نبینند». (کشف الغمة ج ۱ ص ۴۶۶)

د) رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ی چشم چرانی زنان متاهل می فرماید: «خشم خدا نسبت به زن شوهرداری که دیدگانش را به غیر همسرش یا به نامحرمان بدوزد، شدید است. در این صورت خداوند همه ی اعمال او را بی نتیجه (بدون پاداش) می گرداند». (وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۱۷۲)



## ۵) آرزوهای دراز

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: « وَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْأَمَلَ يُذْهِبُ الْعَقْلَ وَ يُكَذِّبُ الْوَعْدَ وَ يَحُثُّ عَلَى الْغَفْلَةِ وَ يُورِثُ الْحَسْرَةَ فَاكْذِبُوا الْأَمَلَ فَإِنَّهُ غُرُورٌ وَ إِنِّ صَاحِبَهُ مَأْزُورٌ - بندگان خدا! بدانید که آرزو عقل را بر باد دهد، نویدهای دروغین دهد، غفلت آورد، و باعث حسرت گردد، پایبند آرزو نشوید که آرزو فریب است، و آرزومند گنهکار. » (تحف العقول ص ۱۵۲)

«ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَ يَتَمَتَّعُوا وَ يُلْهِمُهُمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ - بگذار آنها بخورند، و بهره گیرند، و آرزوها آنان را غافل سازد ولی بزودی خواهند فهمید!» (حجر/۳)

## ۶) بی توجهی به آخرت

« اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ »

حساب مردم به آنان نزدیک شده، در حالی که در غفلتند و روی گردانند! « (انبیا/۱)

«وَ اقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ - و وعده حق (قیامت) نزدیک می شود در آن هنگام چشم‌های کافران از وحشت از حرکت باز می ماند (می گویند): ای وای بر ما که از این (جریان) در غفلت بودیم بلکه ما ستمکار بودیم! « (انبیا/۹۷)

## ۷) عجب و غرور

حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «هر که خاطر خود از فریب دنیا جمع کرد و از او مطمئن خاطر شد، فریب دنیا می‌خورد و به غفلت فرو رفته، آهسته آهسته غفلت او زیاد شده به غفلت، از دنیا خواهد رفت.» (شرح مصباح الشریعه ج ۱ ص ۲۲۳)

یعنی کسانی که دچار عجب شده و خود را مصون از فریب نفس و شیطان دانستند و فکر کردند خیلی انسان‌های خوب و وارسته‌ای می‌باشند، به دلیل این که مراقب خود نیستند، به غفلت فرو می‌روند.

«و بدان که با غرور، مواعظ الهیه و دعوت‌های انبیاء و موعظت‌های اولیاء اثر نکند، زیرا که غرور ریشه‌ی همه را بنیان کن کند، و این از دام‌های بزرگ و نقشه‌های دقیق ابلیس و نفس است که انسان را از فکر خود و فکر مرض‌های خود ببرد، و موجب نسیان و غفلت شود، و اطبای نفوس از علاج او عاجز شوند، و یک وقت به خود آید که کار از اصلاح گذشته و راه چاره به کلی مسدود شده. وَ أَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ وَ هُمْ لَا يُؤْمِنُونَ.» (شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۳۷)

علی علیه السلام فرمود: «سُكْرُ الْغَفْلَةِ وَ الْغُرُورِ أَبْعَدُ إِفَاقَةً مِنْ سُكْرِ الْخُمُورِ - کسانی که مست غفلت و غرور هستند خیلی دیرتر از مست‌شدگان از شراب، به هوش می‌آیند.» (غرر الحکم ص ۴۴۰)

## ۸) تکبر

«سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلًّا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعِغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ - بزودی کسانی را که در روی زمین بناحق تکبر می‌ورزند، از (ایمان به) آیات خود، منصرف می‌سازم! آن‌ها چنانند که اگر هر آیه و نشانه‌ای را ببینند، به آن ایمان نمی‌آورند اگر راه هدایت را ببینند، آن را راه خود انتخاب نمی‌کنند و اگر طریق گمراهی را ببینند، آن را راه خود انتخاب می‌کنند! (همه‌ی این‌ها) به خاطر آن است که آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند!» (اعراف/۱۴۶)

«استمرار غفلت و تکذیب آیات الهی، موجب تکبر و انحراف در دیدگاه و انتخاب است.»

( تفسیر نور ج ۴ ص ۱۷۸ )

«بحثی که در آیه آمده است در حقیقت یک نوع نتیجه‌گیری در زمینه سرنوشت فرعون و فرعونیان و سرکشان بنی‌اسرائیل است که در آیات قبل از این آیه آمده است. خداوند در این آیات این حقیقت را بیان می‌کند که اگر فرعونیان و یا سرکشان بنی‌اسرائیل با مشاهده آن همه معجزات و شنیدن آن همه آیات الهی به راه نیامدند به‌خاطر آن است که ما افراد متکبر و خودخواه را که در برابر حق جبهه‌گیری می‌کنند - به جرم اعمالشان - از قبول حق باز می‌داریم و به تعبیر دیگر اصرار و ادامه به سرکشی و تکذیب آیات الهی آن چنان در فکر و روح انسان اثر می‌گذارد که به صورت موجودی انعطاف‌ناپذیر و غیر قابل نفوذ در برابر حق درمی‌آید.

سپس به سه قسمت از صفات این گونه افراد "متکبر و سرکش" و چگونگی "سلب توفیق حق‌پذیری" از آن‌ها اشاره کرده می‌فرماید:

آن‌ها اگر تمام آیات و نشانه‌های الهی را ببینند، ایمان نمی‌آورند! (وَإِنْ يَرَوْا كَلَّآءَ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا).  
و نیز اگر راه راست و طریق درست را مشاهده کنند، انتخاب نخواهند کرد و به عکس اگر راه منحرف و نادرست را ببینند، راه خود انتخاب می‌کنند (وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا).

بعد از ذکر این صفات سه‌گانه که همگی حکایت از انعطاف‌ناپذیریشان در برابر حق می‌باشد، اشاره به دلیل آن کرده، می‌گوید: این‌ها همه به‌خاطر آن است که آیات ما را تکذیب کردند و از آن غافل بودند (ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ).

آیه بعد کيفر چنین اشخاصی را بیان کرده می‌فرماید: آن‌ها که آیات ما را تکذیب کنند و لقای رستاخیز را منکر شوند اعمالشان به کلی حبط و نابود می‌گردد (وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لَقَاءَ الْآخِرَةِ حَبَطَتِ أَعْمَالُهُمْ).» ( تفسیر نمونه ج ۶ ص ۳۶۷ )

## ۹) تاخیر توبه

« دست در دامن توبه و انابه زن پیش از آن که زهر گناه روح ایمان را تباه سازد. و بعد از آنکه از تو پرهیزکاری نیاید و امر از دست طبیبان دل‌ها به‌در رود که نه نصیحت در تو اثر کند و نه پند تو را سودی بخشد. هر چه از مواعظ و نصایح شنوی فسون و افسانه پنداری و کلمه‌ی عذاب در حق تو ثابت شود. و پرده غفلت، چشم و گوش دل تو را فرو گیرد و داخل این آیه گردی که: " وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ - قرار دادیم در پیش روی ایشان سدّی و پرده‌ای و همچنین از پس و پشت ایشان، پس پوشانیدیم ایشان را و کور ساختیم پس دیگر چیزی نمی‌بینند" (یس/۹) و از اهل این آیه شوی که: " خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً - خدا پرده بر دل و گوش و چشم ایشان نهاده" (بقره/۷) و غیر

این‌ها از آیات.

و لقمان به پسر خود گفت: "ای فرزند توبه را تأخیر مکن که مرگ ناگاه می‌رسد. و هر که تأخیر اندازد توبه را یکی از دو خطر عظیم به او می‌رسد: اگر زنده ماند دل او را زنگ معصیت می‌گیرد و سیاه و تیره می‌شود و دیگر از آن محو نمی‌گردد. و اگر مرگ او را فراگرفت دیگر مهلت تلافی نمی‌یابد."

پس ای که عمر خود را به عصیان پروردگار صرف نموده‌ای از خواب غفلت برخیز و فکری کن از برای روز رستخیز.» (معراج‌السعادة ج ۲ ص ۶۸۰)

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز فرموده است: «بنده باید از پروردگارش بترسد، خویشتن را اندرز دهد، توبه را مقدم دارد، و بر شهوات خود چیره شود، زیرا مرگ او، از نظرش پنهان است و آرزویش او را فریب می‌دهد، شیطان همواره مراقب اوست و گناه را در نظرش جلوه می‌دهد، تا مرتکب شود، و او را در آرزوی توبه نگه می‌دارد، تا آن را به تأخیر اندازد و هنگامی که مرگ بر او هجوم می‌آورد در غافل‌ترین حالت باشد ای وای بر انسان غافل که عمرش حجتی بر ضدّ اوست.» (نهج‌البلاغه خطبه ۶۴)

### ۱۰) فریب خوردن به مهلت

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمود: «إِيَّاكَ وَالْغَفْلَةَ وَالْإِغْتِرَارَ بِالْمُهْلَةِ فَإِنَّ الْغَفْلَةَ تَفْسِدُ الْأَعْمَالَ وَالْأَجَالَ تَقْطَعُ الْأَمَالَ - بپرهیز از غفلت و فریب خوردن به مهلت، پس به درستی که غفلت فاسد می‌کند کردارها را، و اجل‌ها می‌برند امیدها را» (شرح آقا جمال‌الدین خوانساری بر غررالحکم ص ۲۲۶)

یکی از چیزهایی که انسان را به غفلت و انجام گناه دچار می‌کند این است که امید دارد که مهلت بیشتری برای زندگی و حتی توبه داشته باشد و این یکی از راه‌های فریب شیطان است. آیه ۲۱۸ بقره

### ۱۱) نبود خلوص نیت

«(امام علیه‌السلام) فرمود: "وَلَا بُدَّ لِلْعَبْدِ مِنْ خَالِصِ النِّيَّةِ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ وَ سَكُونٍ" یعنی: ناچار است بنده از نیت خالص در جمیع حرکات و سکونات، در هر طاعت و عبادت، که اگر نیت در افعال و اعمال خالص نباشد و به اغراض مهملکه مخلوط باشد، از جمله ی غافلین خواهد بود، چنان‌که می‌فرماید: "اذ لو لم یکن بهذا المعنی، یكون غافلا" یعنی: اگر نبوده باشد نیت او موصوف به خلوص و آمیخته باشد به شهوات نفسانی، هر آینه آن کس از جمله غافلان می‌باشد.» (مصباح‌الشریعه، ترجمه عبدالرزاق گیلانی ص ۴۶)

### ۱۲) اموال و اولاد

اموال و اولاد به خودی خود غافل کننده انسان نیست ولی می تواند عاملی باشد برای این موضوع، لذا خداوند به مؤمنین هشدار می دهد که مراقب این مسئله باشند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ - ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکنند! و کسانی که چنین کنند، زیانکارانند!» (منافقون/۹)

اما از طرفی خداوند از کسانی یاد می کند که اموال و اولاد سبب غفلت آن ها نمی شود: «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ - مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند آن ها از روزی می ترسند که در آن، دل ها و چشم ها زیر و رو می شود.» (نور/۳۷)

### هنوز بیدار نشده ایم

«تا کی می خواهید در خواب غفلت به سر برید، و در فساد و تباهی غوطه ور باشید؟ از خدا بترسید از عواقب امور پیرهیزید از خواب غفلت بیدار شوید. شما هنوز بیدار نشده اید هنوز قدم اول را برنداشته اید. قدم اول در سلوک "یقظه" (بیداری) است. ولی شما در خواب به سر می برید چشم ها باز و دل ها در خواب فرو رفته است. اگر دل ها خواب آلود و قلب ها بر اثر گناه سیاه و زنگ زده نمی بود، این طور آسوده خاطر و بی تفاوت به اعمال و اقوال نادرست ادامه نمی دادید. اگر قدری در امور اخروی و عقبات هولناک آن فکر می کردید، به تکالیف و مسئولیت های سنگینی که بر دوش شماست بیشتر اهمیت می دادید.» (جهاد اکبر، امام خمینی (ره) ص ۵۱)

## غفلت زدایی

بعد از موارد ذکر شده این نکته قابل پرسش است که برای این که دچار غفلت نشویم یا اگر دچار شده ایم، چه کنیم که غفلت را به هوشیاری تبدیل نماییم؟ پاسخ این سؤال در ضمن برخی مطالب گذشته آمده است. به عنوان مثال وقتی یکی از عوامل ایجاد غفلت، کبر است، پرهیز از کبر نیز یکی از راه‌های دوری از غفلت خواهد بود.

### شناخت خدا

مشکل اساسی که باعث غفلت می‌گردد، عدم شناخت و درک صحیح از خدا و صفات حضرت حق می‌باشد. خدایی که بعضی از ما می‌شناسیم، خدایی است که قدرتش از دوست و رفیق و پدر و مادر و... کمتر است. زیرا در حضور او گناه می‌کنیم و هیچ هراس و شرمی به دل راه نمی‌دهیم ولی در حضور دیگران گناه نمی‌کنیم.

این که خداوند از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است.

« وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلْمُ مَا تُوسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ - مَا انْصَانَ رَا

آفریدیم و وسوسه‌های نفس او را می‌دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیک‌تریم! » (ق/۱۶)  
این که خداوند قادر و علیم و خبیر است و بر همه چیز - حتی بر آن چه که در قلب ما می‌گذرد - احاطه دارد.

«يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ - او چشم‌هایی را که به خیانت می‌گردد و آن چه را

سینه‌ها پنهان می‌دارند، می‌داند.» (غافر/۱۹)

امیرالمؤمنین در مناجات شعبانیه می‌فرماید: «إِلَهِي إِنْ أُنَامَتْنِي الْغَفْلَةُ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْمَعْرِفَةَ بِكَرَمِ آلائِكَ - خدایا اگر بی‌خبری از آماده شدن برای دیدارت مرا به خواب فرو برده، ولی در عوض معرفت به بزرگی نعمت‌هایت مرا بیدار کرده.»  
اگر تنها به روایتی که در زیر آمده است بتوانیم توجه دائمی داشته باشیم، غفلت از ما دور خواهد شد.

« شخصی نزد امام سجاد علیه‌السلام رسید و عرض کرد:

من مردی گنهکارم و صبر نمی‌توانم کرد از معصیت و گناه پس پند ده مرا به موعظه‌ای.

حضرت فرمود: پنج کار بکن و هر چه خواهی گناه کن.

اول این که مخور روزی خدا را و هر چه خواهی گناه کن.

دوم طلب کن موضعی که خدا تو را نبیند و هر چه خواهی گناه کن.

سوم از ملک خدا بیرون رو و هر چه خواهی گناه کن.

چهارم چون ملک‌الموت بیاید که روح تو را قبض کند پس دفع کن او را از خود و هر چه

خواهی گناه کن.

پنجم چون خواست مالک دوزخ تو را داخل آن کند، تو داخل مشو در دوزخ و هر چه خواهی

گناه کن.» (جامع‌الأخبار ص ۱۳۰)

یاد خدا

« وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ وَ لَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ - پروردگارت را در دل خود، از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یاد کن و از غافلان مباش! » (اعراف/ ۲۰۵)

« آن ذکر مطلوبی که در این آیه به آن امر شده عبارت است از این که انسان ساعت به ساعت و دقیقه به دقیقه به یاد پروردگارش باشد، و اگر احیاناً غفلت و نسیانی دست داد، مجدداً مبادرت به ذکر نموده و نگذارد که غفلت در دلش مستقر گردد. » (ترجمه المیزان ج ۸ ص ۵۰۱)

نکته دیگر آن است که: « آنان که هر صبح و شام، خدا را یاد نمی کنند، از غافلانند. » (تفسیر نور، ج ۴، ص: ۲۶۳)

« إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَئْفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ - پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می افتند و (در پرتو یاد او، راه حق را می بینند و) ناگهان بینا می گردند. » (اعراف/ ۲۰۱)

حضرت صادق علیه السلام فرمود: « مَنْ رَعَى قَلْبَهُ عَنِ الْغَفْلَةِ وَ نَفْسَهُ عَنِ الشَّهْوَةِ وَ عَقْلَهُ عَنِ الْجَهْلِ فَقَدْ دَخَلَ فِي دِيْوَانِ الْمُتَبَيِّنِينَ - کسی که دل خود را از فراموشی و غفلت از یاد حق باز دارد و نفسش را از شهوت و خواسته های بی جا و عقل و فکرش را از بلای جهل و نادانی، از گروه بیداران و آگاهان است. » (مصباح الشریعه ص ۲۲)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: « بِدَوَامِ ذِكْرِ اللَّهِ تَنْجَابُ الْغَفْلَةِ - با پیوسته به یاد خدا بودن غفلت دل ها زائل شود. » (غررالحکم ترجمه محلاتی ج ۱ ص ۴۲۸)

امام سجاد علیه السلام نیز در دعای مکارم الاخلاق می فرماید: « وَ نَبِّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ - و در اوقات غفلتم به یاد خود آگاهی ده. » (صحیفه سجادیه دعای بیستم - مکارم الاخلاق)

### عبرت

« (سرانجام) بنی اسرائیل را از دریا (رود عظیم نیل) عبور دادیم و فرعون و لشکرش از سر ظلم و تجاوز، به دنبال آن ها رفتند. هنگامی که غرقاب دامن او را گرفت، گفت: "ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند، وجود ندارد و من از مسلمین هستم!" \* (اما به او خطاب شد: (الآن؟!)) در حالی که قبلاً عصیان کردی، و از مفسدان بودی! \* فَأَلْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً وَ إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنِ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ - ولی امروز، بدنت را (از آب) نجات می دهیم، تا عبرتی برای آیندگان باشی! و بسیاری از مردم، از آیات ما غافلند! » (یونس/ ۹۰ تا ۹۲)

خداوند در این آیه می فرماید جنازه فرعون را از آب بیرون آورد تا مردم ببینند و از آن عبرت بگیرند تا از غفلت بیرون بیایند. یعنی عبرت از حوادث و اتفاقات عالم و عبرت از حکایت های پیشینیان می تواند از غفلت جلوگیری کند.

امام سجاد علیه السلام در همین خصوص این گونه دعا می فرماید: « لِمَا طَوَّتِ الْغَفْلَةُ عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ الْإِعْتِبَارِ نَاشِرًا، حَتَّى تُوصِلَ إِلَيَّ قُلُوبِنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَّجَرَ أَمْثَالِهِ الَّتِي ضَعَفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِي عَلَى صَلَابَتِهَا عَنِ احْتِمَالِهِ - (بار خدایا... چنان کن که قرآن...) طومار عبرت ها را که به دست غفلت پیچیده شده پیش روی ما بگشاید، تا عجایب قرآن و مثل ها و قصه های هشدار دهنده آن - که

کوه‌های سخت از تحمل آن ناتوانند - به دل‌های ما راه یابد.» (صحیفه سجادیه دعای چهل و دوم) و امام صادق علیه‌السلام فرمود: «أَغْفَلُ النَّاسِ مَنْ لَمْ يَتَّعِظْ بِتَغْيِيرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ - غافل‌ترین مردم کسی است که از تغییر و دگرگونی دنیا، پند نگرفته باشد.» (الأمالی للصدوق ص ۲۰)

### انذار

« تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ \* لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ - این قرآنی است که از سوی خداوند عزیز و رحیم نازل شده است \* تا قومی را بیم دهی که پدرانشان انذار نشدند، از این رو آنان غافلند!» (یس/۶ و ۵)

این آیه به صراحت می‌فرماید دلیل غافل بودن پدران آن‌ها این بوده است که انذار کننده‌ای برای آن‌ها نبوده است. البته: « منظور انذار کننده آشکار و پیامبر بزرگی است که آوازه‌ی او همه‌جا پیچد، و گرنه در هر زمانی حجت الهی برای مشتاقان و طالبان وجود دارد، و اگر می‌بینیم دوران میان حضرت مسیح علیه‌السلام و قیام پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دوران فترت شمرده‌اند نه به این معنی است که مطلقاً حجت الهی برای آن‌ها وجود نداشته، بلکه فترت از نظر قیام پیامبران بزرگ و اولوالعزم است.» (تفسیر نمونه ج ۱۸ ص ۳۱۸)

نکته دیگر این که « اساس و پایه تبلیغ و انذار باید تعالیم قرآن باشد.» (تفسیر نور ج ۹ ص ۵۲۲) امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز در این خصوص فرموده‌اند:

« بِالْمَوَاعِظِ تَنْجَلَى الْعَفْلَةُ - زنگ غفلت با پندها زدوده می‌شود.» (غرر تانصاری ج ۱ ص ۳۳۰)

### تفکر

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرموده‌اند: « الْفِكْرُ رُشْدٌ، الْعَفْلَةُ قَفْدٌ - فکر و تأمل کردن در کارها سبب یافتن راه حق است، و غفلت و تأمل نکردن موجب نیافتن حق.» (غرر تانصاری ج ۲ ص ۱۱۵۸)

درباره‌ی تفکر مطالب زیادی می‌توان عنوان کرد، ولی ذکر آن‌ها کمی از موضوع اصلی ما را دور می‌کند. به همین دلیل تنها به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

خداوند در قرآن دلیل بیان آیات و نشانه‌ها را تفکر در آن‌ها بیان می‌کند.

«يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ - این چنین خداوند آیات را برای شما روشن می‌سازد،

شاید اندیشه کنید!» (بقره/۲۱۹ و ۲۶۶)

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ - در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!»

(رعد/۳، نحل/۱۱ و ۶۹، روم/۲۱، زمر/۴۲، جاثیه/۱۳ و شبیه آن یونس/۲۴)

امام صادق علیه‌السلام نیز با اشاره به این آیات فرمود: « تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ -

یک ساعت تفکر از یک سال عبادت بهتر است.» (مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۱۸۳)

و در روایت دیگری آمده است: « یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است.»

مصباح‌الشریعه ت مصطفوی ص ۴۲۳)



نزول قرآن و دیگر کتب آسمانی (نحل/۴۴)، بیان داستان‌ها در قرآن (اعراف/۱۷۶) و مثال‌هایی که در قرآن آمده (حشر/۲۱) همه برای تفکر است.

### چگونگی تفکر

«مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های (روشنی) برای خردمندان است. \* همان‌ها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آن‌گاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند): بار الهها! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار!» (ال عمران ۱۹۰ و ۱۹۱)

«حسن صیقل گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی آن‌چه مردم روایت می‌کنند که: "یک ساعت اندیشیدن بهتر از عبادت یک شب است" پرسیدم و گفتم: چگونه بیندیشد؟ فرمود: از خرابه یا خانه‌ای که می‌گذرد بگوید: ساکنینت کجایند؟ سازندگان کجایند؟ چرا سخن نمی‌گویی؟» (الکافی ج ۲ ص ۵۴)

و همان حضرت فرمود: «بهترین عبادت، همواره اندیشیدن درباره‌ی خدا و قدرت اوست.» (الکافی ج ۲ ص ۵۴)

و امام رضا علیه‌السلام می‌فرمود: «عبادت به نماز و روزه بسیار نیست، همانا عبادت؛ اندیشیدن در امر خدای عز و جل است.» (الکافی ج ۲ ص ۵۴)

### یاد مرگ

«إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنُّوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ \* أُولَئِكَ مَأْوَهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ - آن‌ها که ایمان به ملاقات ما (و روز رستاخیز) ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آن‌ها که از آیات ما غافلند، \* آنان به خاطر آن‌چه که عمل می‌کردند، جایگاهشان آتش است.» (یونس ۷ و ۸)

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «هر که کفن او با وی در خانه‌اش باشد از غافلان به‌شمار نمی‌آید، و هر گاه به آن بنگرد اجری دارد» (علم‌اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات) ج ۴ ص ۵۲)

و فرمود: «یاد مرگ خواهش‌ها و شهوات نفس را بر طرف می‌کند، و گیاه‌های غفلت را می‌کند، و دل را به وعده‌های خداوند قوی و مطمئن می‌کند، و طبع را نرم و نازک می‌سازد، و اسباب و آثار هوی و هوس را درهم می‌شکند، و آتش حرص را فرو می‌نشاند، و دنیا را حقیر و بی‌قدر می‌گرداند، و این است معنای سخن پیغمبر (ص) که فرمود: "یک ساعت تفکر از یک سال عبادت بهتر است"» (علم‌اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات) ج ۴ ص ۵۲)

برای یاد مرگ اثرات بسیار زیادی در روایات ذکر شده است که مرور آن‌ها فقط یک مقاله مستقل لازم دارد. لذا ما در این جا تنها به چهارده مورد آن بر اساس روایات اشاره می‌نماییم.

کسی که به صورت مستمر یاد مرگ کند: ۱- شهید از دنیا می‌رود ۲- خدا او را دوست دارد ۳- زاهد می‌شود ۴- (علاقه) به لذت‌ها در او از بین می‌رود ۵- بین او و شهوت حائل می‌شود ۶- در سایه‌ی خدا در بهشت قرار می‌گیرد ۷- قبرش غرفه‌ای از بهشت می‌گردد ۸- قلبش اصلاح

می شود ۹- از دنیا به کفاف راضی می شود ۱۰- رغبتش به دنیا کم می گردد ۱۱- از فریب های دنیا نجات می یابد. و یاد مرگ: ۱۲- از صفات شیعه است ۱۳- با فضیلت ترین زهد است ۱۴- برترین عبادت و تفکر است.

### حفظ نماز

امام باقر علیه السلام فرمود:

«أَيُّمَا مُؤْمِنٍ حَافِظٌ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ فَصَلَّاهَا لَوْ قَتَلَهَا فَلَيْسَ هَذَا مِنَ الْغَافِلِينَ - هر مومنی که بر نمازهای واجبش دقت کند و آنها را در وقت خود بخواند، از غافلین نخواهد بود.» (الکافی ج ۳ ص ۲۷۰)

### قرائت قرآن

و فرمود: «هر کس در یک شب ده آیه از قرآن بخواند از غافلین نوشته نشود.» (کافی ج ۲ ص ۶۱۲) کامل بیاید

منظور قطعاً قرائت همراه با تدبر است زیرا: امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ - هیچ خیری نیست در قرائت قرآنی که همراه تدبر نباشد.» (وسائل الشیعه ج ۶ ص ۱۷۳)

### پناه بردن به خدا

امام سجاد علیه السلام در دعاهاى خود فرموده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحَرُصِ... وَ مُتَابَعَةِ الْهَوَى، وَ مُخَالَفَةِ الْهُدَى، وَ سِنَةِ الْغَفْلَةِ - بار خدایا، به تو پناه می برم از شر و شور آزمندی... و از پیروی از هوای نفس و مخالفت با هدایت و فرو رفتن به خواب غفلت» (دعای هشتم صحیفه سجادیه)

«نَبِّهْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْغَافِلِينَ - مرا از خواب غافلان، بیدار کن» (دعای چهل وهفتم صحیفه سجادیه)